

خیلواکی



استقلال

www.esteqtaal.net

جمعه ۱۱ اکتوبر ۲۰۲۴

فریده نوری

تغییر گل های باغ مرجان، ماه دیگر یا نصیب



با رسیدن خزان باغک مرجان جامه بدل کرد و با گل های داودی که مختص به همین فصل است، باغ را آراسته ساختم. خزان امسال مانند خزان های هفت سال اخیر غم انگیز است و هفته هاست که دل آسمان پر درد است و گریه می کند. با نوشتن گریه آسمان به یاد یک صحبت مرجان افتادم که هنوز طفل چهار ساله بود، وقتی برای آوردنش از کودکانستان رفتم در راه برگشت باران و طوفان شدید ما را همراه بود.

مرجان از من سوال کرد، مادر این آب که از آسمان می آید، چیست؟ برایش گفتم، دخترم باران شدید است.

جواب داد:

نی مادر این گریه خدا جان است.

پرسیدم چرا خدا جان این طور گریه می کند؟

جواب داد که زورش به روس ها که افغان ها را می کشند، نمی رسد و این طور گریه می کند.

زمانی فصل خزان از دل انگیز ترین فصل های سال برایم بود، اما حالا:

دلم تنگ است از این افسرده پائیز

از این افسرده پائیز غم انگیز

غروب سخت محنت بار دارد

همه درد است و با دل کار دارد

بگذار در این نیمه شب تار بپریم

بگذار که چون ابر به گنزار بگریم

بگذار که در دوری [مرجان] بگریم

بگذار بر این عاقبت تار بگریم

بگذار بگریم من و بگذار بگریم

در ماتم پژمودن گلپای امیدم

اورفت و امید دل من دور شد از من

در ورطه ای دیوانگی ام میکشد این غم

